



آموزش فارسی دری



Lukuinto-paketti
Espoo
2021-2022

آ ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر
ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف
ق ک گ ل م ن و ه ی

حرفهای صدا دار که اوّل کلمه می آید.

آ ا اُ اِ او





نویسنده زهرا هوشنگی

طراحی:

pixabay.com

canva.com



آدرس پستی:

zahra.houshanghi@opetus.espo.fi

فهرست مطالب

۴- شعر آفتاب مهتاب

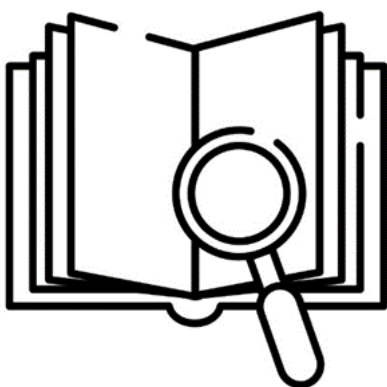
۳۶-۵ آموزش حروف الفبا

۳۷-۳۸ شعر موش و شیر

۳۹-۴۰ شعر درخت

۴۱-۴۲ سگ سارا

۴۳- اعداد فارسی





سرخ و سفید دو رنگه
همگی نقره ای رنگند
کلی گل ها را شاد کرد
آسمان و آب پاشی کرد
همگی به هم رسیدند

آفتاب مهتاب چه رنگه
ستاره ها چه رنگند
خورشید خانم آفتاب کرد
مهتاب خانم جارو کرد
ستاره ها یواش یواش دویدند

خواب های خوب ببینید بچه ها!!!!

آ آفتاب ☀ ا باران ☁

ب آب 🥤 ب بابا 👨👧

آسمان آبی است.

آفتاب در آسمان است.

تارا آبپاش را برداشت و به گلهای داد.

گلها سیراب شدند.

تارا لباس آبی به تن داشت.



ن آن ن نان

آ آنار آبَر

بابا نان از نانوایی آورد.

نان گرم و خوش مزه بود.

تارا زیر درخت نارون نان را نوش

جان گرد وگفت به به!



د در



ر آرد

نانوا با آرد و آب نان را پخت.

مادر با آردِ برنج نان برنجی پخت.

پدر در خانه را زد.

برادرَم در باز کرد و پدر گفت چه بوی

خوبی!



م سام م مامان

س داس س آسب

سام با آسب به مزرعه رفت.

پدر در مزرعه کار می کرد.

سام داس را از پدر گرفت و به او

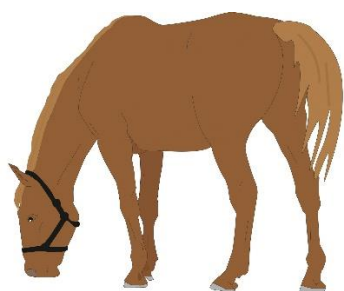
کُمک کرد.

سام با آسب به خانه برگشت.

مامان آتش سبزی پخته بود.

سام آتش سبزی را دوست دارد.

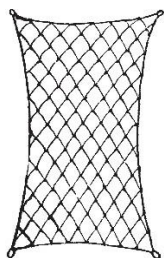
پدر مامان و سام آتش را خوردند.
سام گفت: چه آتش خوش مزه ای!





توت

ت



تور

ت

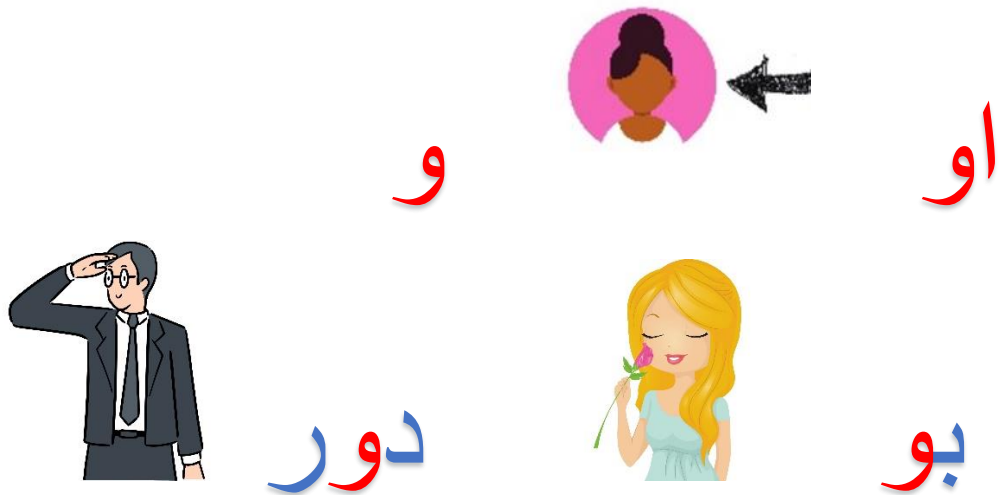
تارا و توران دوست هستند.

تارا و توران توپ بازی را دوست دارند.

آنها با هم توپ بازی می کنند.

مادر برای آنها توت می آورد.

توت شیرین و خوشمزه است.



آرزو دوستِ مَن است.
او همسایه ی جدید ما است.
مادرِ او با مادرِ مَن دوست است.
امروز ما به کتاب خانه رفتیم.
او کتابِ پی پی جوراب بلند را گرفت.
مَن کتابِ جَک و لوبیای سبز را گرفتم.
ما از دوستیِ باهم خوش حال هستیم.



ز زَن زَرَد آلو

ک پارک پاک

ک کودک کار

بهاره از زنبور می ترسد.

بهاره به سوزن دست نمیزند.

نیش زنبور مانند سوزن است.

کامران کودک است.

او به مادر و پدرش در کارهای خانه

کُمک می کند.

کیوان برادر کوچک کامران است.

کیوان و کامران نقاشی کردن را دوست دارند.
آنها روی کاغذ شکل می کشند.

۱- بهاره از چه می ترسد؟

۲- چرا بهاره به سوزن دست نمی زند؟

۳- کیوان و کامران چه چیز را دوست دارند؟





اُ اُستاد مُرغ

پ سوپ پ پروانه

مُرغابی در باغ بود.

مُرغابی در آب پَرید و آب بازی کرد.

پروانه در باغ بود.

پروانه روی گُل نشست.

بُلبل روی شاخه ی گُل نشست و آواز خواند.

اُمید پروانه ها و گل ها و پَرنده ها را دوست دارد.

أُمید ظَرْفِ پرنده ها را پُر از آب و دانه
کرد.

پروانه ها و گل ها خندیدند.

بُلْبُل آب و دانه را خورد.



۱- مُرغابی در آب چکار می کُند؟

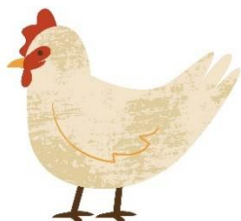


۲- پروانه بُلْبُل و گُل کجا بودند؟



۳- أُمید چه چیزهایی را دوست دارد؟

۴- أُمید به پَرنده ها چه داد؟





ا انسان کتاب

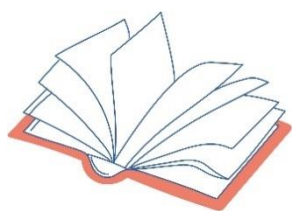
و وان دیوار

ابراهیم ورزش می کند.

او بسکتبال و والیبال را تمرین می کند.

بهراد دوست ابراهیم است.

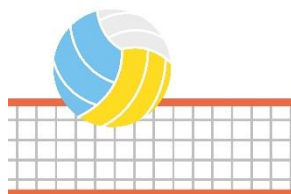
بهراد دو میدانی را تمرین می کند.



آنها در یک ورزشگاه تمرین می
کنند.

دیوار ورزشگاه آنها بتنی است.
ابراهیم و بهراد برای تمرین های
ورزشی بوت های مناسب لازم
دارند.

آنها به کفش فروشی می روند و هر
کدام یک جفت بوت ورزشی می
خرند.





ه راه به همه

ش آش شد شاد

ماه در آسمان بود و ستاره ها چشمک
می زدند. پروانه از خانه بیرون آمدوبه
آسمان زیبا نگاه می کرد. مادرش آش
پخته بود. پروانه و پدرش آش را خیلی
دوست دارند. وقتی هوا سرد می شود
آش مزه می دهد.



ف بَرَف ف فردا

ی آبی ی بینی

برف تُند می آمد.

همه جا سفید شده بود.

فریده و فرزاد با خوش حالی بیرون رفتند. آنها برف بازی کردند.

پدر و مادر هم بیرون رفتند.

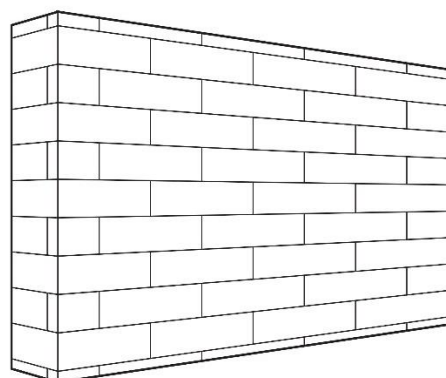
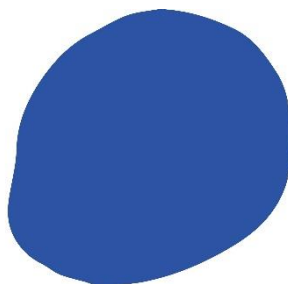
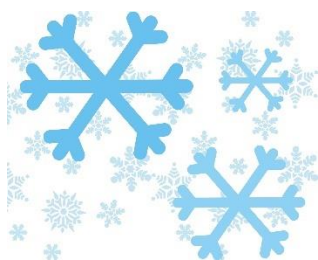
مادر گفت: خوب است که یک آدم

برفی درست کنیم. آنها با همدیگر آدم

برفی دُرُست کردند. آنها برای آدم



برفی چشم و بینی هم گذاشتند اما آدم
برفی سردش بود. آنها یک کلاه روی
سرش و یک شال دور گردنش
گذاشتند.



خ میخ خ خانه

ای این ایمان

کِنارِ خانه ی خُسرو یک دَرخت
است.

این دَرخت بُزرگ و زیبا است.

این درخت میوه هم دارد.

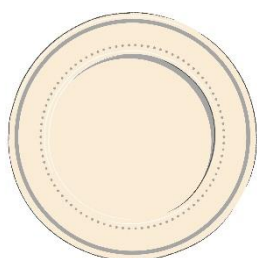
اسم این میوه آنار است.

آنار خیلی خوش مزّه است.



ق قاشق ق بُشقاب

در کنار ساحل بچه ها دور میزی
قدیمی نشسته اند و در بُشقاب با قاشق
غذا می خورند
نسرین قاشقها و بُشقابها را می شوید.
بعد از خوردن غذا بچه ها قایق
سوار می کنند.





چ پیچ چرخ

گ گرگ گاری

چوپان گله را به صحرا برد تا چرا
کنند. گرگ آمد که گوسفندان را
بخورد.



چوپان با چوب دُنبال گرگ دوید.
سگِ گله گرگ را ترساند.
گرگ خسته و گرسنه می خواست
فرار کند که در چاه افتاد.





ج بَرَنج جـ جَارو

ه ه هَمَه شاه شَهَر

در جنگل پَرَنده ها و حیوانهای
زیادی زندگی می کنند. در جنگل
جُغدها گوزنها گُرگها و جانوران
وَحشی هستند. در جَنگل درختان
کاج فراوان است.



ل بُلْبُل ل لاله

خواب خا خواب نَدَن خواب

لینا در تَخْتِ خواب خوابیده بود. لینا
صُبْح زود از خواب بیدار شد اوّل به
پدر و مادر سلام کرد. او برای صُبْحانه
یک لیوان شیر یک لیوان آب پُرْتَقال
نوشید و بعد نان و پنیر خورد.
توی باغچه بُلْبُل کنار گلِ لاله آواز می
خواند.





ژ ژاله پَرْمُرْدِه

اَرّه ٲَرّه

ژيلا و ژوبين خواهر و برادر
هستند. ژيلا نقاشي کردن را دوست
دارد. ژوبين نجاری کردن را دوست
دارد. ژوبين با دقت چوبها را با ارّه می
برَد و یک کشتی می سازد. ژيلا شکل
یک زاگت را می کشد. ژيلا و ژوبين
بچه های مَرْتَبِي هستند. آنها به گل های
خانه آب می دهند که پَرْمُرْدِه نشوند.



ص مَخْصُوص صابون

صُبْح است. بَجّه ها با صِدای بُلند صابر
را از توی کوچّه صِدا کردند. صابر
دست و صورَتش را با صابون شُست و
تُند تُند صبحانه اش را خورد. بَجّه ها با
صَبَر و حوصِله مُنتَظِر او می ماندند.
صابر به کوچّه می رود تا با آنها بازی
کُند.





غ گلاغ تیغ تغیر باغبان

ننه کلاغه روی درخت نشسته بود.

مُرغ پا کوتاه زیر درخت دانه

می خورد.

ننه کلاغه غار غار کنان پرواز کرد.

باغبان توی باغ گُلها را آب می داد.

تیغ گُل دَسَتش را زخمی کرد.

او با صدای بلند جیغ کشید.





ث اُثاث ثانیہ

بہرام و ثریّا خواہر و برادند. ثریّا از
کثیفی خوشش نمی اید. بہرام ہم
دوست ندارد کہ لباسش کثیف
شود. آنها بہ انباری خانہ می روند تا
توپ را بردارند.

اُثاث های توی انباری خاکی و کثیف
ہستند. ثریّا بہ بہرام می گوید: بہتر
است کہ بہ چیزی دست نزنیم چون
دستمان کثیف می شود.





ض حوض ضَرَب رضا

رضا حاضر شده بود که به خانه ی

دوستش فیاض برود. مادرش کنار

حوض نشسته بود. هفته ی گذشته

فیاض مریض شده بود. رضا پدر و مادر

را راضی کرده بود که برای احوال

پرسی دوستش به خانه ی آنها برود.



ذَرّه بین غذا لذیذ

مادر آشپزی می کرد. او غذاهای لذیذ و
خوش مزه ای دُرست می کرد. بیرون
ذَرّه ذَرّه برف می با رید. نادر با شوق
و ذوق باریدن برف را نگاه می
کرد. مادر نادر را برای خوردن غذا
صدا کرد. نادر غذا می خورد و می
گُفت به به چه غذای خوش مَزّه ای!





ی پروانه ی زیبا

پروانه ی زیبا روی شاخه ی گل سرخ
نشسته بود. پروانه به گل گفت: تو چه
زیبایی! قناری که روی شاخه ی
درخت نشسته بود و آواز می خواند
گفت: شما هر دو زیبایی. بادی ملایم
وزید و گفت: همه ی شما زیبایی.



موش و شیر

موش و شیری در یک جنگل زندگی می کردند.

موش خیلی بازیگوش بود.

هر وقت شیر می خوابید از دُم شیر بالا می رفت

و گوش شیر را گاز می گرفت و فرار میکرد. یک

روز که شیر خیلی عصبانی شده بود خود را به

خواب زد و تا موش آمد او را در دستش گرفت تا

بخورد.

موش شروع به گریه زاری و التماس کرد. شیر دلش

سوخت و گفت: برو و دیگر مزاحم خواب من نشو!

چند روز بعد وقتی که شیر در جنگل قَدَم می زد

ناگهان در تور شکارچیان افتاد. موش که متوجه در

دام افتادن شیر شد به کُمر او رفت. موش با دندان

های تیزش تور را جَوید و پاره کرد. به این ترتیب



شیر نجات پیدا کرد. از آن به بعد شیر و موش با هم دوست شدند و شیر به موش اجازه داد که با او بازی کند.

۱- موش و شیر در کجا زندگی می کردند؟

۲- موش با شیر چه می کرد؟

۳- آیا موش شیر را خورد؟ چرا؟

۴- موش چگونه شیر را نجات داد؟

۵- آیا عاقبت شیر و موش دوست شدند؟



دنيا صفا ندارد	من چيستم كه بى من
آب و هوا ندارد	هر جا كه من نباشم
يك تن، هزارها دست	از خاك در مى آيم
بيش از هزارها هست	انگشت هاى پايم
دستم بر آفتاب است	پايم در سينه ي خاك
خاك و هوا و آب است	در اين جهان خوراكم
هم شادى زمينم	هم جان آدميزاد
آبادى زمينم	با خرّمى و سبزى

شعر از محمود كيانش



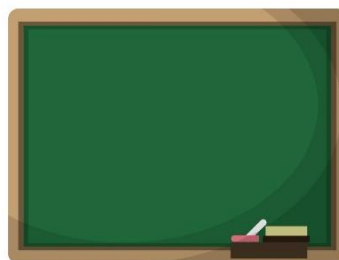


۱- این شعر از زبان چه چیزی است؟

۲- درخت نور و انرژی را از کجا می گیرد؟

۳- درخت غذایش را از کجا می گیرد؟

۴- آیا می دانی از چوب درختان چه چیزهایی درست می شود؟ چند چیز آن را نام ببر.



سگ سارا

سارا یک سگ دارد. سگ سارا از نژاد چی و او
است. اسم سگ سارا مگی است. مگی یک سال دارد
و رنگ آن قهوه ای روشن است. زیر گردن مگی سفید
است. مگی روزها در خانه آزاد است. سارا روزی
دو بار با مگی بیرون می رود اما اجازه ندارد به
تنهایی بیرون برود. غذای مگی گوشت، ماهی و
مرغ است که سارا آن را از فروشگاه می خرد.
دوستان سارا گاهی برای دیدن مگی به خانه ی او
می روند و با مگی بازی می کنند. آنها مگی را خیلی
دوست دارند. مگی وقتی آنها را می بیند از
خوشحالی دُمش را تکان می دهد.



- ۱- سارا چه حیوانی در خانه دارد؟
- ۲- اسم سگ مگی چیست؟
- ۳- مگی چند سال دارد؟
- ۴- غذای مگی چیست؟
- ۵- سارا و مگی روزی چند بار برای قَدَم زدن بیرون می روند؟
- ۶- آیا دوستان سارا مگی را دوست دارند؟
- ۷- آیا وقتی مگی آنها را می بیند خوشحال میشود؟ چرا؟



اعداد فارسی:

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸

۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶

۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴

۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲

۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰